

ن آموز «ثبت شده است، پهنه ای می شود تا به سراغ دانش آموزانی ردایی بهتر، تلاش می کنند؛ دانش آموزانی که خوب می دانند برای خور، نباید سال های دانش آموزی شان به بطلالت بگذرد، بلکه باید داشته باشند.

فستند. آن ها از همان قدم اول تلاش کرده اند که تحت حمایت های . همین است که یکی شان نفر اول المپید خوارزمی و جزو نفرات

و مدرسه

نه!

ش طلب

زندگی هدفمند با قرآن

پدرم روحانی است، محیط زندگی و رشد من به گونه ای بوده که از کودکی با مباحث دینی و قرآنی آشنا شده ام. حرکت در مسیر قرآن هم ریشه در همین موضوع دارد. از طرفی باور دارم حرکت در مسیر قرآن در نظم بخشی و هدفمند کردن روال زندگی ام خیلی نقش داشته است؛ در واقع تمام موفقیت هایم را مرهون گام برداشتن در این مسیر می دانم.

در دوره دبستان و راهنمایی، معدل کم تر از ۲۰ نبود، وقتی که قرار به انتخاب رشته دبیرستان شد، با توجه به امتیازات بالایی که در سال های قبل کسب کرده بودم، می توانستم تمام رشته ها را انتخاب کنم. ابتدا رشته تجربی را انتخاب کردم، اما هر چه تجزیه و تحلیل کردم، دیدم دروسی که در این رشته تدریس می شود با روحیه من هم خوانی ندارد. به جامعه شناسی، روان شناسی و منطق علاقه بیشتری داشتم تا فیزیک و شیمی. از همین رو با پدر و مادرم مشورت کردم و رشته انسانی را برای ادامه تحصیل انتخاب کردم.

برتر استان در تفسیر

یکی از افتخارات من در دوره تحصیل این است که در مسابقات استانی و کشوری سخنرانی، مقام هایی به دست آورده ام. سخنرانی ها هم اغلب

اخلاق، سرفصل سخنرانی ها

قبلا در مدرسه تیزهوشان «امام حسن (ع)» در بولوار صبا تحصیل می کردم؛ آنجا با همراهی اولیای مدرسه، هیئتی را با عنوان «منتظران المهدی (عج)» راه اندازی کردیم. این هیئت چهارشنبه های هر هفته برنامه دعا و نیایش دارد. من هم در برخی برنامه های آن، سخنرانی می کنم. بیشتر اوقات موضوع صحبت هایم مباحث اخلاقی است؛ چرا که متأسفانه می بینم اخلاقیات در جامعه - به خصوص میان نسل جوان - در حال کم رنگ شدن است. سعی می کنم با استفاده از تجربیات بزرگانی چون استاد فلسفی و آیت... جواد عاملی، استاد رفیعی و... همچنین با بهره مندی از کتاب هایی چون «مواعظ العبدیه» یا «مفاتیح الحیات»، که در زمینه آموزه های اخلاقی خیلی پر بار است، موضوعات به روز و آموزنده ای را برای سخنرانی هایم پیدا و انتخاب کنم.

وقتی واژه دانش آموز را می شنوید چه چیزی در ذهنتان تداعی می شود؟

با اطلاق واژه «دانش آموز» به خودمان مخالفم، ما «دانش طلب» هستیم؛ کسی که به دنبال و در طلب دانش و آموختن است. اصطلاح «دانش آموز» برای دوره ابتدایی مناسب است که فرد تازه قرار است الفبای فارسی و دودوتا چهارتا را یاد بگیرد، وقتی واژه «دانش آموز» برای سنین نوجوانی و جوانی به کار برده می شود، مثل این است که عرصه علم آموزی و دانش ما را محدود کرده باشند.

به نظر شما چه دانش آموزی موفق است؟

در کشور ما فقط درس خوانی نشانه موفقیت یک دانش آموز است؛ گویا کسی که بالاترین نمره را می گیرد موفق تر است، در حالی که به نظر من درک عمیق مطالب درسی و داشتن مطالعات متفرقه خیلی مهم تر و بارز تر از نمره بیستی است که با حفظ کردن طوطی وار یک کتاب یا جزوه به دست آمده است. در سیستم آموزشی ما متأسفانه اشکالی بنیادی وجود دارد؛ بیشتر دانش آموزان فقط برای شکستن شاخ غول کنکور درس می خوانند. هیچ کس عمقی درس نمی خواند که شاید آن آموزه، فردا در کار یا زندگی به دردت بخورد. دروس طوری خوانده می شود و آموزش داده می شود که دانش آموز از پس چهارتا تست کنکور برآید و بس.

از دید شما نقاط ضعف سیستم آموزشی ما چیست؟

متأسفانه بزرگ ترین ضعف سیستم آموزشی ما نبود دروس آموزشی کاربردی در همه رشته هاست. دروس ما اکثراً تئوری هستند؛ چند فرمول و واقعه تاریخی را حفظ می کنیم و بعد هم امتحان و کنکور و دانشگاه، اما خوب است که دانش آموزان حرفه هایی را هم در دوران تحصیل چنان آموزش ببینند که اگر نتوانستند به دانشگاه راه پیدا کنند یا بعد از فارغ التحصیلی کاری متناسب با مدرکشان پیدا نکردند، حداقل از هنری که در دوره دانش آموزی یاد گرفته اند، بتوانند بهره مند شوند. علاوه بر این خوب است که دانش آموزان در کنار دروس خود، روابط عمومی و فن بیان شان را ارتقا دهند و دوره های مدیریت بحران را نیز آموزش ببینند.

بزرگترین آرزوی شما چیست؟

قبولی در دانشکده قضایی و تصدی پست قضاوت.



باور دارم حرکت در مسیر قرآن در نظم بخشی و هدفمند کردن روال زندگی ام خیلی نقش داشته است؛ در واقع تمام موفقیت هایم را مرهون گام برداشتن در این مسیر می دانم